



Geopolitical factors influencing and limiting ISIS's influence in the Middle East

Atefeh Sadeghi 

Corresponding author, Master's degree in International Relations, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Kermanshah, Iran. E-mail: sadeghi1365.at@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Paper

Article history:

Received: 06 November 2024

Received in revised form: 14
January 2025

Accepted: 19 January 2025

Keywords:

Geopolitics,
Middle East,
ISIS,
Threat

ABSTRACT

One of the most important areas that has been structurally the center of influence of the superpowers as claimants is the Middle East, where the actions movements arising from this influence have increased. One example of these actions is the emergence of ISIS. Conditions resulted from the regional unrest, the lack of power and security at the regional level, the geopolitical competition among regional powers, and the role played by the transnational powers have provided the grounds for the formation and expansion of the influence of ISIS, but this group cannot maintain its survival in the long run due to the geopolitical factors. On the other hand, it is necessary to understand the organized activities of this group because the presence of ISIS in the West Asian region and in the neighboring territories of Iran, despite the unsparing support of some trans -regional powers as one of the most important events is highly significant. ISIS is trying to establish its ideological government in the Middle East through the expansion of its political actions due to the geopolitical effects. This terrorist group, with its monopoly and ideological measures to combat the national identity of society, polarizes and disrupts security. It is important to note that in the Middle East, each crisis can force the countries of the region and the international system to react. Thus, this study, using an analytical method, revolves around the following question: What are the most important geopolitical factors of ISIS in the Middle East. The hypothesis formulated to answer this question is that these influential geopolitical factors have provided the basis for the establishment, influence and restriction of ISIS in the Middle East.

Cite this article: Sadeghi A. (2024-2025). Geopolitical factors influencing and limiting ISIS's influence in the Middle East. *New Geopolitics Research*, 1 (2), 181-196.

© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.



DOI: <https://doi.org/10.22034/nrpg.1.2.10>

Introduction

ISIS is a group that is the result of the interests of some countries in the region, geopolitical conflicts, extremist thinking as well as the idea of making trans-regional countries powerful. Thus, the purpose of this study is to show what geopolitical elements affect the influence and restriction of ISIS in the Middle East region. Identifying these factors can prevent the actions of ISIS, which is a serious threat to the region. Accordingly, the question is raised as follows: What are the most important geopolitical factors of ISIS in the Middle East? The hypothesis formulated to answer this question is that that these influential geopolitical factors have provided the basis for the establishment, influence and restriction of ISIS in the Middle East.

Methodology

This research following an applied purpose is an analytical descriptive study regarding its method. Information was gathered based on the principles of exploratory theory by library and documentary methods. Information was summarized by referring to scientific articles and note-taking process.

Findings and discussions

The most important geopolitical factors in the Middle East with regard to the ability and influence of ISIS in the Middle East entail the existing geocultural support in the region, the illegitimacy in specific areas, the use of cuberspace and media, the organization and leadership of ISIS, and the role of the US and its regional allies in the emergence and spread of the sphere of influence of ISIS in the region. From among the most important geopolitical factors, which have an impact on restricting the activities of ISIS, we can refer to the geopolitical position of Iran and Saudi Arabia, the role and political position of Iraqi Shiites in the process of convergence with Iran, the geopolitical position of Syria and its role in restricting ISIS in cooperation with the Islamic Republic of Iran, and the geopolitics of the world system and its role in restricting ISIS.

Conclusions

The Takfiri group of ISIS is one of the latest challenges for the Middle East and International region's security. The actions of these Takfiri groups directly affect the security of the Middle East since these groups are able to quickly infiltrate into the Middle East countries such as Syria and Iraq, and control the large areas of these countries. This has led Shiite governments to collapse in Iraq and Syria. As a result, the regional countries sought to counter Takfiri groups taking action such as intelligence and military readiness on joint borders with Iraq, military cooperation with the Iraqi government to repel these Takfiri groups, the increase in intelligence cooperation with Turkey, Iraq and Syria in the Kurdish areas, the increase in security and intelligence care across their countries and the preparation of a plan to face the absence of military and security services to defeat these Takfiri groups and force them to leave their borders. However, attempts should be made to establish stronger security, and more appropriate actions should be taken because the end of ISIS is not the end of Takfiri terrorism,

and this way of thinking is not eliminated since some regional and trans-regional actors benefit from the terrorist atmosphere.

عوامل ژئوپلیتیکی نفوذ و محدود سازی داعش در منطقه خاورمیانه

عاطفه صادقی ✉

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.
 رایانامه: sadeghi1365.at@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، خاورمیانه، داعش، تهدید</p>	<p>یکی از مناطق مهمی که به صورت ساختاری مرکز نفوذ ابرقدرت‌های مدعی بوده، منطقه خاورمیانه است که کنش‌ها و پویش‌های برخاسته از این مسئله نیز با سیری گسترشی روبه‌رو بوده است و از جمله این کنش‌ها ظهور داعش است. شرایط پیش‌آمده از ناآرامی‌های منطقه‌ای، بروز خلأ قدرت و امنیت در سطح منطقه، رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌های منطقه‌ای و بازیگری قدرت‌های فرامنطقه‌ای زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش دامنه نفوذ گروه داعش را فراهم نموده است. این گروه به دلیل عوامل ژئوپلیتیکی نمی‌تواند در درازمدت قادر به حفظ بقای خود باشد، اما از طرفی دیگر شناخت فعالیت‌های سازمان‌دهی شده این گروه نیز واجب و ضروری است. زیرا حضور داعش در منطقه غرب آسیا و در سرزمین‌های همجوار ایران با وجود حمایت‌های بی‌دریغ برخی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌عنوان یکی از رخداد‌های مهم حائز اهمیت است. گروه تکفیری داعش سعی دارد با گسترش کنش‌های سیاسی خود از طریق تأثیرات ژئوپلیتیک، حکومت ایدئولوژیک خود را در منطقه خاورمیانه مهیا نماید. این گروه تروریستی با اقدامات انحصارگرایانه و ایدئولوژیکش برای مبارزه با هویت ملی، جامعه را قطب‌بندی کرده و امنیت را مختل می‌کند. ذکر این نکته ضروری است که در منطقه خاورمیانه ایجاد هرگونه بحرانی هم می‌تواند کشورهای منطقه و هم سیستم بین‌المللی را وادار به واکنش نماید. لذا این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی تدوین گردیده در پی یافتن مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیک ظهور داعش، تداوم فعالیت، و یا محدود شدن فعالیت آن در منطقه خاورمیانه است.</p>

استناد: صادقی، عاطفه (۱۴۰۳). عوامل ژئوپلیتیکی نفوذ و محدود سازی داعش در منطقه خاورمیانه. پژوهش‌های نوین سیاست جغرافیایی، ۱ (۲)، ۱۹۶-۱۸۱.



DOI: <https://doi.org/10.22034/nrpg.1.2.10>

ناشر: دانشگاه لرستان

مقدمه

با مطالعه تاریخچه عملکرد قدرت‌های استعماری در کشورهای اسلامی، به‌ویژه در دو قرن اخیر، این موضوع کاملاً قابل تصدیق است که قدرت‌های سلطه‌گر همواره از ظرفیت‌ها و زمینه‌های درون جهان اسلام برای تضعیف اسلام و خنثی نمودن توانایی‌های بالقوه آن بهره‌برداری نموده‌اند. در این میان آنچه بیش از همه مطمح نظر بوده است امکان اختلاف‌افکنی و انشعاب فکری بین مذاهب و گرایش‌های مختلف دنیای اسلام از درون، با استخدام مهره‌های فرصت‌طلب یا سست‌ایمان یا منحرف از لحاظ عقیدتی بوده است. ترویج افراطی‌گری و خشونت یکی از شگردهای شیطانی جبهه استکبار برای فرصت‌سوزی و سرگرم نمودن دنیای اسلام به جنگ‌های داخلی و هدر رفتن استعدادهای نهفته مسلمانان است. آنان با شکل دادن گروه‌هایی مانند داعش در پی ضربه زدن به اسلام و مسلمانان هستند. خطر حضور داعش که یکی از گروه‌های افراطی به شمار می‌آید، همچنان در منطقه ما وجود دارد. داعش گروهی است که شکل‌گیری آن حاصل منافع بعضی از کشورهای منطقه، کشمکش‌های ژئوپلیتیک، تفکرات افراطی و همچنین اندیشه قدرت گرفتن کشورهای فرامنطقه‌ای است. گسترش افراط‌گرایی و خشونت، یکی از حربه‌های جهان استکبار برای نابودی اسلام و سرگرم کردن مسلمانان به جنگ‌های داخلی است. داعش یک گروه تروریستی-تکفیری است که با فعالیت‌های فراملی خود، علاوه بر عضوگیری از مناطق مختلف جهان و جذب حمایت‌های مالی، قادر به انجام عملیات‌های تروریستی در نقاط مختلفی از جهان است. این سازمان محدوده عملیاتی خود را محدود به خاورمیانه نکرد، اما تمرکز اصلی خود را برای تشکیل خلافت اسلامی در خاورمیانه و در دو کشور عراق و سوریه قرار داد. بنابراین داعش یک تهدید بسیار مهم است، زیرا مبارزه با تشیع را یکی از مهم‌ترین اهداف خود می‌داند. اما ذکر این نکته اهمیت دارد که گروه‌هایی که به دنبال تشکیل دولتی جدید در نقشه سیاسی جهان هستند، باید در جغرافیای طبیعی جایگاهی داشته باشند؛ در غیر این صورت در جغرافیای سیاسی فردا هم جایگاهی ندارند. این امر در مورد داعش نیز صدق می‌کند، زیرا در جغرافیای سیاسی منطقه جایگاهی نداشته و اعضای آن از کشورهای مختلف گرد هم آمده‌اند و از خلأ قدرت و مشروعیت پیش آمده در سوریه و مناطق سنی نشین عراق بهره جستند. بنابراین ماندگاری و نقش آفرینی آن در منطقه، دوام چندانی نخواهد داشت. این امر بدان معناست که هویت و ایدئولوژی این گروه، صرفاً متکی به علایق مذهبی افراطی است. بنابراین پراکندگی و تنوع گروه‌های معارض و سلفی در منطقه و اختلاف و کشمکش‌های داخلی این گروه، و نیز بازی‌گردانی قدرت‌های خارجی، مانع از ماندگاری و هویت پیوندخورده‌ی این گروه با جغرافیای سیاسی است. به همین دلیل گروه تکفیری داعش علاوه بر تهدیدات، می‌تواند زمینه ظهور فرصت‌ها را نیز فراهم آورد. بنابراین هدف و ضرورت این پژوهش، نشان دادن عناصر ژئوپلیتیکی موثر بر نفوذ و محدودسازی داعش در منطقه خاورمیانه است. شناسایی این عوامل می‌تواند از کنشگری پیش‌رونده داعش که تهدیدی جدی در منطقه به شمار می‌آید جلوگیری نماید؛ زیرا گروه تکفیری داعش تمام تلاش خود را انجام می‌دهد تا با کنش‌های سیاسی، حکومت ایدئولوژیکش را در منطقه خاورمیانه حکمفرما کند. این گروه، تجسم یک جریان افراطی است که همچون گروه‌های افراطی دیگر، زمینه‌های حضورش در منطقه خاورمیانه وجود داشته است. داعش به‌یکباره ظهور نکرد، بلکه برآیند منافع برخی از کشورهای منطقه و رقابت‌های ژئوپلیتیک میان آنها، بازی‌گردانی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، شناور بودن مباحث و موضوعات ژئوپلیتیک، و شرایط مهیای زایش گروه‌های بحران‌ساز و تفکرات افراطی در محیط‌های سیاسی کشورهای خاورمیانه است. از طرفی با توجه به تضاد منافع و تشابهات مذهبی، فرهنگی و قومی نظام‌های سیاسی موجود در خاورمیانه، پدیده‌ها یا بحران‌های سیاسی شکل گرفته در هر کشوری از پتانسیل بالایی برای سرایت به دیگر کشورها برخوردار است. بر همین اساس سوال این پژوهش این است که مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی داعش در منطقه خاورمیانه کدامند؟ فرضیه تحقیق نیز این است که عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی داعش زمینه ایجاد، نفوذ و محدودسازی داعش در منطقه خاورمیانه را فراهم کرده است. مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیک موثر در راستای توانایی و نفوذ داعش در منطقه خاورمیانه حمایت‌های ژئوکالچرال موجود در منطقه، بروز خلأ مشروعیت در مناطق خاص، بهره‌گیری از فضای مجازی و رسانه‌ای، سازمان‌دهی تشکیلات و فرماندهی داعش و نقش آمریکا و همپیمانان منطقه‌ای آن در ظهور و گسترش حوزه نفوذ داعش در منطقه است. از جمله مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیک موثر بر محدودسازی فعالیت‌های داعش، می‌توان به نقش آفرینی و جایگاه ژئوپلیتیک ایران و عربستان، نقش آفرینی و جایگاه سیاسی

شیعیان عراق در روند همگرایی با ایران، موقعیت ژئوپلیتیک سوریه و نقش آن در محدودسازی داعش در پرتو همکاری با جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک نظام جهانی و نقش آن در محدودسازی داعش اشاره کرد.

مبانی نظری

ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک از نظر لغوی به معنای سیاست زمین است اما از نظر اصطلاحی به معنای تجزیه و تحلیل عواملی است که در جغرافیا بر قدرت و سیاست بین‌الملل اثر می‌گذارد و این در حالی است که ژئوپلیتیک از نظر کلاسیک به معنای این است که قدرت سیاسی زمانی شکل می‌گیرد که با جغرافیا منطبق باشد (واثق و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۱).

در واقع می‌توان گفت که دانش برای دستیابی به قدرت با استفاده از درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی بسیار موثر است؛ به نحوی که دولت‌ها می‌توانند ضریب نفوذ بین‌المللی خود را با استفاده از محیط جغرافیایی خود ارتقا بخشند. دولت‌ها می‌توانند با استفاده از ژئوپلیتیک، مناسب‌ترین و دقیق‌ترین راه را در سیاست خارجی‌شان پیش روی خود قرار دهند تا از تهدیدات احتمالی جلوگیری نمایند. در نتیجه ژئوپلیتیک در مناسبات سیاسی، علم مطالعه عوامل جغرافیایی مؤثر در سیاست است. پیش‌تر تایلر جغرافی‌دان سیاسی در تعریف ژئوپلیتیک اینگونه بیان می‌کند که ژئوپلیتیک توزیع سیاسی جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان در زمینه رقابت میان قدرت‌های بزرگ را مطالعه می‌کند و در واقع آن را علمی می‌داند که به تأثیر عوامل جغرافیایی در سیاست‌هایی که موجب دگرگون شدن جهان می‌شوند می‌پردازد. بنابراین ژئوپلیتیک با سه عنصر اساسی به نام‌های جغرافیا، قدرت و سیاست ارتباط پیدا می‌کند (گل‌کرمی، ۱۴۰۳: ۷۹).

ژئوپلیتیک علمی است که سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی بر پایه آن استوار است و حکومت‌ها و گروه‌های سیاسی حوزه نفوذ و گسترش خود را بر پایه‌ی آن استوار می‌کنند تا به وسیله‌ی آن به قدرت برسند و رقابتی خود را مغلوب کنند. به همین دلیل دولت‌ها برای دستیابی به فرصت‌ها در مکان‌های جغرافیایی با یکدیگر به رقابت می‌پردازند تا سیطره نفوذ خود را در این حوزه‌های جغرافیایی گسترش دهند و این فضاها را به قلمروهای تحت سلطه خود بیفزایند. ژئوپلیتیک همواره به دنبال کشف این است که اقلیم‌ها و مکان‌های جغرافیایی و طبیعی و منابع موجود در آن چگونه می‌تواند گزینه‌های سیاست خارجی حکومت‌ها را به خاطر برخورداری از یک جایگاه مناسب در عرصه بین‌المللی تضمین کند؛ به‌طوری که بهره‌مندی از مکان‌ها و اقلیم‌های برتر جغرافیایی، ضمانتی است برای رسیدن به منافع حکومت‌ها (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۷).

عوامل ژئوپلیتیکی نیز به مؤلفه‌های جغرافیایی گفته می‌شود که بر سیاست کشورها تأثیرگذار است. این عوامل از یک فضا نسبت به فضای دیگر متفاوت است. عوامل ژئوپلیتیک به دودسته عوامل ثابت که همان پدیده‌های طبیعی هستند و به عوامل متغیر که منشا طبیعی دارند تقسیم می‌شوند. به بیان دیگر می‌توان گفت عوامل ژئوپلیتیک همان واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و بیانگر ویژگی‌های جغرافیایی هستند که بر رفتار سیاسی و استراتژی کشورها تأثیرگذارند؛ به‌طوری که اگر کشورها نسبت به این عوامل و مؤلفه‌های جغرافیایی بی‌تفاوت باشند به راحتی می‌توانند استقلال و تمامیت ارضی خود را به خطر بیندازند (پارسایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵).

تاریخچه شکل‌گیری و ایدئولوژی داعش

داعش جریانی بنیادگرا و وابسته به ایدئولوژی وهابیت و از نوع تکفیری جهادی است که خود منشعب از جریان سیاسی القاعده است (مبینی‌کشه و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۳۸). تاریخچه شکل‌گیری داعش به جماعت جهاد و توحید که در سال ۱۹۹۹ میلادی به رهبری ابومصعب الزرقاوی تأسیس شد می‌رسد. این گروه در سال ۲۰۰۴ به القاعده ملحق، و بعد از آن به القاعده عراق معروف شد. سپس تصمیم گرفت که با دولت عراق و نیروهای آمریکایی که در کشور عراق حضور داشتند وارد ستیز شود، اما همین گروه در سال ۲۰۰۶ با گروه‌های دیگری از اسلام‌گرایان وارد ستیز شدند و توانستند مجلس شورای مجاهدین را در استان الانبار تشکیل دهند. درست در همان سال بود که این مجلس شورا توانست با همکاری چندین گروه دیگر از شورشیان، دولت اسلامی عراق را تشکیل دهد. در سال ۲۰۱۰ ایالات متحده توانست عملیاتی را انجام دهد و رهبران اصلی دولت اسلامی را به هلاکت برساند. سپس

ابوبکر بغدادی رهبر داعش شد. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اهداف این گروه، تضعیف دولت جدید عراق بود؛ به همین دلیل در مقابل درخواست وهابی‌ها، سیا و حامیان خود مبنی بر اعزام نیرو به کشور سوریه ایستادگی کرد، اما بعد از مدتی برای تقویت و گسترش تشکیلات خود و همچنین فشار حامیان غربی و عرب با جذب تروریست‌های بیشتر، وارد کشور سوریه شد و کلمه شام را نیز به نامش اضافه کرد و دولت اسلامی عراق و شام یا همان داعش در سال ۲۰۱۱ متولد گردید (ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳۸-۱۳۹). در سال ۲۰۱۴ به دلیل شکست در سوریه، توجه داعش به عراق معطوف شد و برای تصرف عراق و ضمیمه کردن آن به دولت اسلامی و نابودی دولت شیعه مالکی، به پیشروی در خاک این کشور پرداخت. از مهم‌ترین عوامل موفقیت داعش می‌توان به ساختار و عملکرد ضعیف دولت‌های عرب، سازمان شبکه‌ای و غیر متمرکز داعش، و ناکارآمدی و ناتوانی ایالات متحده و جامعه بین‌الملل اشاره کرد (بصیری، ۱۳۹۶: ۵۵۵). در واقع داعش آخرین نمونه از گروهک‌های تروریستی است که بر اساس نقشه‌ها و برنامه‌ریزی‌های سیاسی آمریکا، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و نیروهای بعثی بازمانده از رژیم بعث عراق در دوران حکومت صدام در منطقه گام برمی‌دارند (تاجیک و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵۸). از طرف دیگر داعش را می‌توان بخشی از دستور کار سیاست خارجی آمریکا در منطقه غرب آسیا به منظور جلوگیری از ایجاد دولت‌های با ثبات و نیز منازعه نیابتی این کشور با ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای ارزیابی کرد (اردم و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۲).

بی‌اعتنایی به دنیا، جهاد و خشونت، هجرت، قلمرو گشایی و فتح اراضی، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های گروه تکفیری داعش و القاعده است (نوربخش و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴۵). داعشی‌ها اولین چالش را برای هنجارهای جنبش‌های جهادی در جهان ایجاد کردند که سبب شد به شرکت کنندگان در این جنبش‌ها رهبری جایگزین پیشنهاد دهند (۲: ۲۰۲۲، Rasheed). دولت اسلامی داعش تبدیل به واقعیت منطقه‌ای و شاید بتوان گفت تبدیل به واقعیت جهانی شده که به طور قابل توجهی بر ایجاد وضعیت امنیتی در منطقه و فراتر از آن تاثیر گذاشته و به لطف منافع اکثر کشورهای منطقه و همچنین قدرت‌های بزرگ، توسعه یافته است (۵۸: ۲۰۱۶، Berisa). این گروه درصدد نابودی شیعیان و ایجاد یک دولت اسلامی سنی مذهب است (۱: ۲۰۲۱، Jamet).

در واقع داعش گروهی است که می‌خواهد جایگزین القاعده‌ای شود که با آن درگیر بوده و می‌خواهد خود را به عنوان گروه اصلی ستیزه‌جوی اسلام‌گرا معرفی نماید (۱: ۲۰۱۴، Hashim). به همین دلیل قدرت ایدئولوژیک خود برای الهام بخشیدن به حملات خارج از کشور را نیز حفظ نموده است (۱: ۲۰۱۷، Lister). داعش از یک گروه تروریستی ناشناخته به چالش برانگیزترین معضل برای امنیت جهان تبدیل شده است. این گروه از استثمار فیزیکی و جنسی زنان و کودکان حمایت می‌کند و غیرمومنان را شکنجه می‌کند و می‌کشد، و مسلمانانی که به فرقه‌های دیگر تعلق دارند یا با تعریف ایمان توسط داعش مخالف هستند مرتد اعلام کرده و آن‌ها را به قتل می‌رساند. به همین دلیل داعش یا دولت اسلامی عراق و شام به عنوان یک دولت اسلامی ستیزه‌جوی افراطی، جهادی، وهابی و سلفی شناخته شده است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳). داعش به عنوان یک گروه تروریستی، تهدیدی جدی برای صلح و امنیت به شمار می‌رود که خود را با فناوری‌های جدید تطبیق می‌دهد (۲: ۲۰۲۱، Stanicek)؛ در نتیجه بسیار تهاجمی‌تر است و اعلام دولت اسلامی نشان می‌دهد که می‌خواهد در فضای باز عمل کند نه در سایه (LIU, 2015: 3).

به هر ترتیب می‌توان گفت اشراف اطلاعاتی خوب داعش نسبت به جغرافیا، فرهنگ، مذهب و شناخت نقاط قوت و ضعف مردم بود که توانست ذهنیت سیاسی و اجتماعی مردم عراق را برای آغاز دوره تسلط قدرتمند گفتمان داعش در این سرزمین آغاز نماید؛ زیرا این گروه تروریستی با یک تعقل جمعی به‌عنوان بازیگر اصلی نمایشنامه تروریستی به ایفای نقش می‌پردازد و با آگاهی از علایق و ارزش‌های جمعی از میان دیگر گزینه‌های قابل تصور، تروریسم را به عنوان شیوه‌ی عمل انتخاب می‌کند (والتر، ۱۳۸۱: ۱۲).

ایدئولوژی و الگوی سلولی داعش

داعش را می‌توان هم وهابی دانست و هم افراطی، و ایدئولوژی آن‌ها هم همان احیای اصل وهابیت است. از جمله ویژگی‌های این گروه افراطی، احیای خلافت در جهان اسلام و استفاده کردن بیش از حد از تکفیر و خشونت و اعلام نمودن جهاد بر ضد شیعیان است. داعش با هدف احیای حکومت اسلامی به سبک قرون اولیه اسلامی، تسلط بر همه مناطق حیاتی، و حکم بر مبنای دین، می‌کوشد پیروانی را از کشورهای مختلف عربی، آسیایی، اروپایی و آفریقایی، با دعوت به هجرت جذب کند. داعش با استناد به

اصول عقایدی و تاریخی و با مشروعیت‌زدایی از ایده ملی‌گرایی، میهن‌پرستی، قبیله‌گرایی و انقلاب‌گرایی و با تفکر «جهاد تنها راه‌حل» تلاش می‌کند ایمان پیروان خود را به جهاد در مقابل حکومت‌ها گره بزند (رحیمی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۱). داعش همانند القاعده به جنبش جهادگران سلفی معتقد است، القاعده و داعش دست راست و چپ سلفی‌گری تکفیری هستند.

یک هسته مرکزی در میان این الگو دیده می‌شود که با مشخص کردن ویژگی‌های کارکردی و گفتمانی بدون ارتباط ارگانیک می‌تواند افراد و عناصر پیرو خود را شناسایی کند. این گروه به‌عنوان حلقه‌های پیوسته نیستند؛ بلکه گروه‌های طرفدار هم در میان آنها وجود دارد که دقیقاً شبیه به سلول عمل می‌کنند و بدون هیچ گونه ارتباطی با هسته مرکزی به‌وجود می‌آیند. همچنین عمل تکثیر سازمانی را ایجاد می‌کنند که با تعاریف متداول از تشکیلات بسیار فاصله دارد (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۶۴). به هر ترتیب، گروه تروریستی داعش قسمت‌های بزرگی از عراق و سوریه را در سیطره خویش داشت و فعالیت این گروه هم‌اکنون نیز در قسمت‌هایی از نیجریه و لیبی و افغانستان و آسیای جنوب شرقی ادامه دارد. برخی آمارها نشان می‌دهد که در ابتدای ۲۰۱۵ محدوده‌های اشغال شده در سوریه و عراق به ۲۰۰ هزار کیلومتر مربع رسیده است و تعداد افرادی که در این مناطق زیر سیطره داعش در حال زندگی کردن هستند به تعداد ۱۰ میلیون نفر می‌رسید (سیفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۴). طبق اسناد موجود، آمریکا در پیدایش داعش نقش اساسی و مستقیمی داشته است. بر اساس افشاگری‌های کارمند اسبق آژانس امنیت ملی ایالات متحده، آژانس امنیت ملی آمریکا با همکاری انگلیس و موساد زمینه لازم را جهت ایجاد و شکل‌گیری داعش فراهم نموده‌اند. طبق این اسناد، سازمان‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، انگلیس و ایالات متحده، برای ایجاد یک گروه تکفیری که خاصیت این را داشته باشد که بتواند افراد تندرو را دور هم گرد آورد همکاری کردند و اطلاعات در دسترس حاکی از این است که عملیات گردآوری تندروها از اقصی نقاط جهان در یک مکان را لانه زنبور نام‌گذاری کرده‌اند (ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۴۱-۱۴۰). از جمله اهداف مشخص‌شده لانه زنبور سر دادن شعارهای اسلامی است. آن‌ها مناسب با تفکرات تکفیری، سلاح خود را به سمت کشورهای نشانه می‌گیرند که مخالف رژیم صهیونیستی هستند (داوند و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲۱).

از ویژگی‌های قابل توجه که ایدئولوژی داعش را از سایر گروه‌های افراط‌گرا متمایز می‌سازد، تاکید بر مهاجرت است. این گروه وقتی در تابستان ۲۰۱۴ شهر موصل را به تصرف خود درآوردند، از مسلمانان سراسر جهان برای مهاجرت به این سرزمین دعوت کردند. چرا که کلمه «هجرت» در معانی اسلامی حائز اهمیت است و در سنت اسلامی اشاره به هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه دارد که برای اولین بار منجر به تاسیس حکومت شد (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۷). همچنین داعش در مقایسه با القاعده، شیعه ستیزتر است و به دنبال شیعه‌هراسی و ترویج سلفی‌گری است. داعش در پی گسترش شبکه ترور در جهان اسلام است که در نهایت باعث مهار اسلام سیاسی و تقویت نظام سلطه می‌گردد. ایدئولوژی داعش بر اساس افراط‌گرایی، جهادگرایی سلفی و وهابیت بنا شده است.

روش تحقیق

پژوهش پیش رو تحقیقی، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است. جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر اصول نظریه اکتشافی به روش کتابخانه‌ای و اسنادی است. اطلاعات با مراجعه به مقالات علمی، و با یادداشت برداری، فیش برداری و دسته‌بندی به صورت خلاصه درآمده است.

یافته‌های تحقیق

عوامل ژئوپلیتیک موثر در راستای توانایی و نفوذ داعش در منطقه

حمایت‌های ژئوکالچرال موجود در منطقه

این دسته از حمایت‌ها همواره توانسته است در میزان نفوذ گروه‌های تکفیری مانند داعش اثرگذار باشد؛ زیرا این گروه تکفیری خود را مادر و محور دیگر حرکت‌های اسلامی می‌داند و همین سبب می‌شود تا دیگر فعالان سیاسی از آن‌ها حمایت نمایند (عباس‌زاده فتح آبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۷). به‌عنوان مثال هرچند فرایند طالبانی شدن در مناطق قبایلی پشتون‌نشین متمرکز بود، تا اندازه‌ای محدودتر به سایر ایالت‌های پاکستان از جمله سند و پنجاب نیز سرایت کرد. با حمایت گروه‌های مستقر در مناطق قبایلی، گروه‌های دیگر در

سایر بخش‌های پاکستان نیز ایجاد و با هم همراه شدند تا در شهرهای مهم مانند اسلام آباد، راولپندی و لاهور به انجام عملیات تروریستی دست بزنند (محبوبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵). هم جغرافیای انسانی و مذهبی و عناصر ژئوکالچرال در شمال عراق فراهم بود، و هم بافت مذهبی کشور عراق و عملیات‌های گروه‌های افراطی القاعده زمینه‌های حضور داعش را فراهم می‌کرد. جغرافیای انسانی عراق و سوریه و همچنین گروهک‌های مخالف نظام‌های سوریه و عراق، و همچنین تفکرات گوناگون دیگر، بستر مناسبی را برای رشد داعش ایجاد کرده بود. از طرفی دیگر اوضاع حاکم بر کشور عراق باعث شده بود جامعه سنی و بعثی عراق وضعیت افراطی ناخوشایندی را تجربه نماید. به هر ترتیب می‌توان گفت اشراف اطلاعاتی خوب داعش نسبت به جغرافیا، فرهنگ، مذهب و شناخت نقاط قوت و ضعف مردم بود که توانست ذهنیت سیاسی و اجتماعی مردم عراق را برای آغاز دوره تسلط قدرتمند گفتمان داعش در منطقه، فراهم آورد (کریمی‌پور و حیدری، ۱۳۹۸: ۲۳).

بروز خلأ مشروعیت در مناطقی خاص

زمانی که حاکمیت نهادهای متمرکز وجود داشته باشد، دولت مرکزی می‌تواند حاکمیت مطلق را به اجرا درآورد و مواردی مانند نابه‌سامانی‌های اقتصادی، نظامی و بحران مشروعیت، احتمال اندکی برای ظهور و بروز دارند. به عبارتی می‌توان گفت فرآیند دولت‌سازی و ملت‌سازی آن هم به وسیله نهادهای و قبول مشروعیت نهادها از طرف مردم و همچنین اجرای قوانین مورد حمایت نظام سیاسی، یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از ظهور یک دولت شکننده در سرزمینی خاص است. بدین ترتیب توزیع قومی و مذهبی مناصب حکومتی عاملی برای ایجاد تنش‌های اجتماعی را در اثر خلأ مشروعیت ایجاد کرد و همین نهادهای ناکارآمد در کنار بحران مشروعیت و ناکارآمدی و دخالت‌های خارجی همگی در کنار هم باعث شدند گروه‌های افراطی بتوانند به راحتی به بسیج نیروهای خود بپردازند (حاجی‌یوسفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۵). ناحیه‌گرایی سیاسی عمیق‌ترین شکل ناحیه‌گرایی مذبی-زبانی است و زمینه به چالش کشیدن کشور و حکومت را فراهم می‌آورد. ناحیه‌گرایان به این نتیجه رسیده‌اند که وقتی ناکارآمدی سیاسی، ناعدالتی جغرافیایی و همچنین ناهمگونی زبانی و مذهبی وجود داشته باشد، تنها راه رسیدن به مطالبات، استفاده کردن از راه‌های خشونت‌آمیز سیاسی است. درست به همین دلیل است که ناعدالتی‌های موجود به عنوان اصلی‌ترین انگیزه تروریست‌ها و گروه‌های تکفیری شمرده می‌شود. بنابراین ناحیه‌گرایی سیاسی، تبعیض، و استبداد سیاسی حکومت می‌تواند زمینه ایجاد خلأ مشروعیت در مناطق خاص را فراهم نماید و همین خلأ مشروعیت بستر مناسبی برای ظهور و بروز گروه‌های تروریستی افراطی را فراهم آورده است. مجموع این عوامل در مورد داعش نیز صدق می‌کند. به عنوان مثال در انتخابات پارلمانی عراق به دلیل بعثی‌زدایی زمینه بروز ناراضی‌های گروه‌های سنی ایجاد شد و همین عامل زمینه برای ظهور بحران را مهیا کرد (کریمی‌پور و حیدری، ۱۳۹۹: ۲۴).

بهره‌گیری از فضای مجازی و رسانه‌ای

داعش در راستای بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی، رسانه‌ای و هدایت افکار عمومی از موسسات رسانه‌ای مختلفی بهره می‌گیرد. یکی از این موسسات مرکز رسانه‌ای الفرقان است. تشکیل موسسه الفرقان به زمان تشکیل دولت اسلامی عراق در اواخر ۲۰۰۶ میلادی به ریاست ابوبکر البغدادی باز می‌گردد. فضای مجازی و رسانه‌ای داعش برای نشان دادن قدرت نظامی و باز نشر پیام‌های رهبران داعش، بر تارنمای مربوط به این گروه تروریستی متمرکز شد (عراقچی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۲). فضای مجازی می‌تواند دنیای سیاست را متأثر نماید. در چنین فضایی ژئوپلیتیک جای خود را به ژئوکالچرها می‌دهد و گروه‌هایی که هوای قلمروخواهی را در سر دارند، اقدام به قلمروگستری می‌نمایند، و این امر مسلزم ماهیت نرم‌افزاری رسانه‌ای است. امروزه کنش‌گران سیاسی در ابتدا اقدام مستقیم برای سلطه بر سرزمین هدف را انجام نمی‌دهند بلکه سعی می‌کنند در افکار و اذهان عمومی نفوذ کنند تا به این ترتیب با جنگ نرم‌افزاری آن سرزمین هدف را به قلمرو خود اضافه نمایند. اینترنت نیز یکی از رسانه‌های ابزاری است که گروه‌های سیاسیبه کمک آن، با نفوذ در اذهان عمومی و جلب حامیان، اقدام به انجام عملیات پیش‌برنده خود می‌کند. داعش نیز از رسانه‌های مجازی و اینترنتی نهایت استفاده را می‌کند تا از این طریق ویدئوهای تاثیرگذار مورد نظر خود را پخش نماید و بر طرفداران و قدرت سیاسی اجتماعی خود بیافزاید. داعش هدفش نفوذ سیاسی و اجتماعی است تا از این طریق ترس را در جامعه القا نماید و ناشایستگی قدرت حاکم را نشان دهد (کریمی‌پور، و حیدری، ۱۳۹۸: ۲۵).

سازمان‌دهی تشکیلات و فرماندهی داعش

داعش بر سیاست داخلی تمرکز داشته و سازمانی با رهبری جمعی دارد و فاقد رهبری کاریزماتیک است. داعش یک حزب و یک ارتش توده گراست که به دنبال حکومت بر کشورهاست و از لحاظ سازمانی منسجم و تا حدی منظم و جامع است. این گروه از زبانی ساده و همه‌فهم استفاده می‌کند تا با این روش به جذب نیرو بپردازد؛ زیرا ادعا می‌کند که در پی ساخت یک دولت اسلامی است. لذا راهبرد سازمانی‌اش کنترل منطقه جغرافیایی و گسترش آن بوده است و چنین سازمانی با چنین تشکیلاتی خطری بلندمدت برای منطقه است (قاسمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۰). داعش مانند دیگر گروه‌های بنیادگرا، یک ساختار سازمانی برای رسیدن به اهداف خود دارد. ساختار سازمانی داعش تشکیل شده از شورای مجاهدین، امرای مناطق و فرماندهان عملیاتی است. این ساختار سازمانی بسیار محرمانه است. ساختار سازمانی داعش از شبکه القاعده پیروی می‌کند و توان بالای ساختاری این گروه سبب شده است که روز به روز به قلمرو خود در سوریه و عراق بیافزاید (کریمی‌پور و حیدری، ۱۳۹۸: ۲۶).

نقش آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن در ظهور و گسترش حوزه نفوذ داعش در منطقه

حمایت کشوری مانند عربستان از داعش را می‌توان در زمره جنگ‌های نیابتی قرار داد که به مدت یک دهه، میان ایران و عربستان سعودی در منطقه در جریان است. پیروزی بزرگی که برای ایران در همین راستا رقم خورد، شکست غربی-عربی در اسقاط نظام سوریه بود که نتیجه‌ی آن برای عربستان، قطر، ترکیه و دیگر مخالفان بشار اسد، بسیار تلخ و تحمل‌ناپذیر بود. به‌همین دلیل عراق دوباره زمینه برای رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای را فراهم آورد. در سطوح بین‌المللی داعش دارای دو کارکرد مهم و اساسی بود. الف: توانست با اقدامات وحشیانه خود و با ایجاد اسلام‌هراسی چهره‌ی خشنی از اسلام را نمایان کند. ب: با این اسلام‌هراسی جنگ‌های بین تمدنی را به جنگ‌های درون تمدنی اسلامی تبدیل کرد که هدفش از این کار فرسایش تدریجی امت اسلامی است. بنابراین گروه‌های تکفیری مانند القاعده و داعش بر اساس نقشه‌های آمریکا یکی پس از دیگری به ظهور رسیدند تا اهداف آمریکا را به ثمر برسانند (کریمی‌پور و حیدری، ۱۳۹۸: ۲۹).

عوامل ژئوپلیتیک موثر بر محدودسازی فعالیت و محاصره داعش

نقش آفرینی و جایگاه ژئوپلیتیک ایران و عربستان

اقدامات متعدد داعش و شکست‌های پی‌درپی این گروه تکفیری در کشورهای سوریه و عراق حاکی از عدم توانایی این گروه تکفیری در اجرای سیاست‌های غرب و رژیم صهیونیستی، و از طرفی پررنگ شدن قدرت هژمونیک جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت در خاورمیانه است (درج و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۷). هم‌اکنون نفوذ ایران در خاورمیانه بسیار بیشتر از قبل شده است و اکثریت گروه‌های شبه نظامی شیعه در منطقه با ایران متحد هستند که می‌توان از آنها در مقابله با مخالفان جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد (نویدی نیا، ۱۳۹۹: ۷۲). از سوی دیگر تغییر موازنه قدرت در غرب آسیا و خلیج فارس و به‌وجود آمدن عنصر شیعی در عراق، ترس کشورهای خلیج فارس و اقتدارگرایان سنی عرب را برانگیخته است. محور سیاست خارجی ریاض و بغداد بر همکاری مشروط و ناامن کردن این کشور و فشار به دولت شیعی در جهت وارد ساختن اعراب سنی به ساختار سیاست و امنیت در عراق است؛ اما با گذشت زمان و حضور شیعیان در ساختار سیاسی و به حاشیه رفتن سنی‌ها از ساختار قدرت، نگرانی‌های عربستان نیز آشکارتر گردید. سیاست خارجی ریاض به طور کلی جلوگیری از تسلط ایران بر منطقه ژئوپلیتیک غرب آسیا است، و عراق به صحنه بزنگاه این سیاست تبدیل شده است. به‌عبارتی می‌توان گفت نبود دیدگاه واحد ژئوپلیتیک میان ایران و عربستان، زمینه را برای تعارض استراتژیک آن‌ها در منطقه مهیا کرده است، و داعش نیز در خدمت استراتژی‌های منطقه‌ای عربستان بوده و از حمایت‌های این کشور برخوردار است (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

تفکر شیعی ایران به هیچ عنوان هیچ‌گونه سختی با گروه‌های افراطی تکفیری ندارد. به همین دلیل با توجه به کنش‌های داعش در عراق این امکان وجود دارد که منافع ایران از لحاظ استراتژیک به خطر بیفتند. به عبارتی می‌توان گفت خلافت اسلامی از نوع داعش یا شبیه به داعش برای جمهوری اسلامی ایران تهدیدی اساسی به‌شمار می‌آید. از دیدگاه بسیاری از سیاسیون جهان عرب مهم‌ترین ابزار اصلی و اساسی ایران در پررنگ کردن نقش منطقه‌ای خود داشتن گروه‌های شیعی طرفدار در منطقه به

خصوص در عراق و لبنان است. وقتی که صدام رژیمش سقوط کرد توازن منطقه‌ای به هم خورد و ایران به‌عنوان کشوری که دارای کنشگری فعال و موثر در خاورمیانه بود خود را به خوبی نشان داد. سیاست‌های عربستان در راستای نیرومند کردن داعش بوده است. هدف عربستان در قالب سیاست‌های پنهان خود، حمایت از تمامی گروه‌های تروریستی در جهت تضعیف حکومت عراق و سوریه بوده است. قدرت تسلیحاتی داعش نمونه این ادعاست. از طرفی دیگر درگیری ایدئولوژیک بین ایران و عربستان بعد از انقلاب ایران باعث شده است که این دو کشور همواره رو در روی یکدیگر قرار گیرند؛ و همین نبود دیدگاه واحد ایدئولوژیک، زمینه‌تعارض این دو کشور را در سیاست‌های منطقه‌ای فراهم آورده است. این تعارض، عاملی برای تنومند کردن داعش در منطقه است، و در نتیجه می‌توان گفت داعش بیشتر در خدمت سیاست‌های عربستان و استراتژی‌های این کشور در منطقه بوده است و از حمایت‌های عربستان تا حد قابل توجهی برخوردار است (کریمی‌پور و حیدری، ۱۳۹۸: ۳۰).

نقش آفرینی و جایگاه سیاسی شیعیان عراق در روند همگرایی با ایران

با توجه به اشتراکات فراوان قومی، مذهبی، تاریخی و اقتصادی، روابط دو کشور ایران و عراق می‌تواند یک روند همگرایی همراه با ثبات و شتاب مناسب را طی نماید؛ زیرا در این صورت عراق می‌تواند مشکلات ژئوپلیتیک خود را در چارچوب همکاری با ایران به‌خوبی حل و فصل نماید. ضرورت چنین همگرایی را باید در سایه عواملی چون وضعیت منطقه‌ای خاورمیانه، نزدیکی ژئوپلیتیکی، اشتراکات فرهنگی و مذهبی، بی‌ثباتی امنیتی و سیاسی عراق و مولفه‌های اقتصادی جستجو کرد؛ بنابراین همگرایی و نزدیکی هرچه بیشتر احزاب و گروه‌های شیعی به ایران می‌تواند تضمین‌کننده کارآمدی عملکرد و حضور فعال سیاسی آنان در روند تحولات عراق باشد. کشورهای عرب سنی‌نشین منطقه که تاب حضور فعال شیعیان در عراق را ندارد، با پشتیبانی از گروه‌های سنی افراطی سعی در برهم زدن توازن قدرت در عراق و به حاشیه رفتن شیعیان را دارند. شیعیان نیز باید در جهت همگرایی بیشتر با جمهوری اسلامی قدم بردارند؛ زیرا این همگرایی می‌تواند تضمین‌کننده سیاست‌ها و اقدامات احزاب شیعه در آینده عراق باشد. از همین رو برجسته کردن نقش نیروهای شیعه به عنوان خط مقدم مبارزه با تروریسم داعش در سطح جهانی از نمونه‌های بارز آن است، و چه بسا اگر حضور فعال جمهوری اسلامی در مبارزه با داعش نبود این گروه تکفیری بر کل جغرافیای عراق مسلط می‌شد (میری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۳). یکی از مهم‌ترین عواملی که رهبران سیاسی عراق بر آن تاکید می‌کنند، استفاده از قواعد و راه‌کارهایی برای دستیابی به حقوق و منافع تاریخیشان است. رفتارهای سیاسی شیعیان هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح ملی نشان دهنده پیامدهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک است. شیعیان از لحاظ جغرافیایی در مناطق جنوبی و مرکزی ساکن هستند. از نظر شیعیان مرجعیت و اقتدار آنان در تحولات کنونی جامعه نقشی اساسی داشته است. از جمله عوامل سیاسی شیعیان در عراق که در کارکردهای سیاسی آن‌ها نقش به‌سزایی دارد، می‌توان به کثرت جمعیت، موقعیت ژئوپلیتیک، حضور مکانی شیعیان در جنوب و دردهانه خلیج فارس، پیوستگی جغرافیایی شیعیان عراق با شیعیان ایران، تاثیرگذاری قدرت شیعه در عراق، اهمیت مراجع تقلید و سازماندهی هدفمند شیعه اشاره کرد (کریمی‌پور و حیدری، ۱۳۹۸: ۳۱).

موقعیت ژئوپلیتیک سوریه و نقش آن در محدود سازی داعش در پرتو همکاری جمهوری اسلامی ایران

سوریه به‌عنوان مرکز ارتباطات سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا شناخته می‌شود و یک بازیگر ژئوپلیتیک محوری است. واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مهم مدیترانه، برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق، به وضوح اهمیت ژئوپلیتیک و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۳). موقعیت جغرافیایی، حضور نظامی جمهوری اسلامی ایران در سوریه، آموزش نیروی نظامی این کشور، پتانسیل‌های هیدروپلیتیکی، اختلافات ارضی و مرزی با رژیم صهیونیستی، وابستگی این رژیم به منابع آبی سوریه، گسترش روابط اقتصادی با سوریه، ویژگی‌های جمعیتی، حضور شیعیان در این کشور، و حضور احزاب اسلام‌گرا و مخالف رژیم صهیونیستی در این کشور، از مهم‌ترین علایق ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در کشور سوریه است. در نتیجه با شناسایی دقیق، نظام‌مند و مستمر تحولات ژئوپلیتیک کشور سوریه و تبدیل این عوامل به علایق ژئوپلیتیک، می‌توان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را ارتقا داد و تولید بازدارندگی کرد و متقابلاً برای محدودسازی داعش هم موثر واقع شد. در نتیجه هم پیمانی ایران

با حکومت سوریه و موقعیت ژئوپلیتیک این کشور در کنار وفاداری ارتش سوریه به حکومت بشار اسد موجب تقویت و توانمندی و روحیه بالای آن‌ها در مبارزه با گروه‌های افراطی شده است و عرصه را بر گروه‌های افراطی تنگ کرده و موجبات شکست آن‌ها را در سوریه رقم زده است (شمس دولت آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۸). موقعیت ژئوپلیتیک سوریه توانسته است این کشور را در نقطه اتصال خاورمیانه با اروپای صنعتی قرار دهد، و همین امر سبب شده است تا کنشگران سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به حمایت از سوریه به پا خیزند. به عنوان مثال پایگاه طرطوس تنها پایگاه خارجی بعد از اتحاد شوروی سابق است که توانسته است توسط روسیه در دریای مدیترانه در ۲۵ کیلومتری مرز سوریه با لبنان حفظ شود. از طرفی دیگر هم‌پیمانی ایران، روسیه و حزب الله از جمله عواملی بود که نقشی اساسی در بالا بردن روحیه ارتش سوریه در مقابله با گروه‌های افراطی داشت (کریمی‌پور و حیدری، ۱۳۹۸: ۳۳)

ژئوپلیتیک نظام جهانی و نقش آن در محدود سازی داعش

آمریکا همواره در ژئوپلیتیک نظام جهانی به دنبال تبدیل شدن به قدرت هژمون دنیاست، به گونه‌ای که هیچ کشور یا هیچ گروهی نتواند بر آن غلبه کند. به همین دلیل تلاش آمریکا برای نفوذ در غرب آسیا و سلطه بر منابع انرژی این منطقه به بهانه تلاش عراق برای دستیابی به سلاح کشتار جمعی را می‌توان حرکتی در جهت رسیدن به این هدف ارزیابی کرد. بنابراین آمریکا در جریان اشغال دو کشور افغانستان و عراق موفق عمل کرد. اما داعش با نادیده گرفتن مرزهای ملی و ارتکاب جنایات جنگی، نشان از عزم جدی برای بر هم زدن ژئوپلیتیک جهانی را دارد، و چنین چیزی کدهای ژئوپلیتیک بازیگران جهانی و منطقه‌ای را با چالش جدی مواجه خواهد کرد. در نتیجه نظام جهانی به اقدام خود در محدودسازی کنش‌های داعش تسریع بخشید و حملات داعش به صورت گسترده‌ای از سوی بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی محکوم شد. آمریکا، اعراب و سازمان ملل نیز پس از ماه‌ها سکوت در برابر جنایات داعش در سوریه و عراق، اقدامات خشونت آمیز گروه‌های تکفیری را به شدت محکوم کردند. بنابراین آنچه که در نظام جهانی به یک موضوع بسیار مهم تبدیل شده، جنبه‌ی مهلک بودن این نوع تروریسم بود که غرب و منافع امینی آن‌ها را به مخاطره انداخت. همواره در طول تاریخ آمریکایی‌ها برای از بین بردن هرگونه مانع بری استخراج آزادانه نفت روحیه جنگیدن داشتند، اما درست زمانی که داعش در سوریه و در حوزه‌های نفتی عراق جنایات می‌کرد آمریکا هیچ واکنشی از خود نشان نداد؛ بلکه به صورت غیر مستقیم از آن‌ها حمایت می‌کرد. اخلال داعش در این مهم، یک کُد ژئوپلیتیک با کارکرد منفی برای آمریکا به حساب می‌آید. زیرا طبق استراتژی ژئوپلیتیک آمریکا، اگر امنیت مناطق دسترسی نامحدود به بازارهای کلیدی، به ذخایر انرژی و منابع استراتژیک به مخاطره بیفتد، آمریکا مجبور به جنگ می‌شود. ساختار ژئوپلیتیک جهانی دارای مقیاس جهانی است. این ساختار محیطی جهانی دارد که در آن، بازیگران ژئوپلیتیک با کدهای ژئوپلیتیک معمولاً در مقیاس جهانی عمل می‌کنند، طوری که استراتژی‌ها، انگاره‌های ژئوپلیتیک، خط مشی‌ها و درنهایت اهداف و منافع ملی آن‌ها به میزان قابل توجهی سیاست‌های جهانی را جهت می‌دهند و خود نیز از آن متأثر می‌شوند. بنابراین ساختار ژئوپلیتیک جهانی، که بالاترین سطح مقابله با داعش محسوب می‌شود، باید پای کار بیاید؛ چراکه با توجه به ادعاهای داعش مبنی بر تشکیل دولت اسلامی، نادیده گرفتن مرزهای ملی، ارتکاب جنایات جنگی، و انتشار نقشه‌های سرزمین‌ها و کشورهایی که نهایتاً به وسیله‌ی آنها فتح خواهد شد و نشان از عزم جدی این گروه برای بر هم زدن ساختار ژئوپلیتیک جهانی و نظم موجود دارد، چنین چیزی در درازمدت کدهای ژئوپلیتیک بازیگران سطح جهانی و منطقه‌ای را با مخاطره همراه خواهد کرد. بنابراین باید عزمی جهانی به منظور مقابله‌ی جدی با داعش شکل بگیرد (کریمی‌پور و حیدری، ۱۳۹۸: ۳۴).

نتیجه گیری

تحولات اخیر که موجب شده بود بحران‌های زیادی در خاورمیانه ایجاد شود، زمینه‌ساز درگیری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی زیادی شده بود و جهان را به تنش نزدیک کرده بود. یکی از پدیده‌هایی که جهان را صحنه درگیری‌ها کرده بود بنیادگرایی اسلامی است که هم اکنون در خاورمیانه و بیشتر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم. تکفیریان با سوء استفاده از علایق دینی در منطقه خاورمیانه و عمیق‌تر کردن شکاف‌ها میان مسلمانان به وسیله جنگ و خلأ امنیتی، منطقه خاورمیانه را به بهشت

گروه‌های افراطی تبدیل کرده‌اند. از طرفی می‌توان گفت که امنیت یک منطقه بسیار پیچیده است و معمولاً از ارزش‌ها تاثیر می‌پذیرد. مسئله امنیتی نیز زمانی به وجود می‌آید که گروه و یا دولتی استقلال کشوری دیگر را تهدید نماید. گروه تکفیری داعش یکی از جدیدترین چالش‌های امنیت منطقه خاورمیانه و بین‌الملل است و اقدامات این‌گونه گروه‌های سلفی و تکفیری، تاثیر مستقیمی بر امنیت کشورهای خاورمیانه دارد. گروه‌های تکفیری با بهره‌گیری از تسلیحات پیشرفته و کمک‌های مالی برخی از کشورهای منطقه و فرمانطقه، توانستند به سرعت در کشورهای خاورمیانه مانند سوریه و عراق نفوذ کنند و مناطق وسیعی را تحت کنترل خود درآورند و همین مسئله باعث شد که دولت‌های شیعی در کشورهای عراق و سوریه در معرض فروپاشی قرار گیرند؛ زیرا این گروه‌ها به دنبال خلافت هستند و دستیابی به خلافت هم نیازمند ادغام کشورهای منطقه در یک کشور است. این گروه‌ها می‌توانند با حمله‌ور شدن به مرزهای کشورها و هجوم به مکان‌های مقدس شیعی و با انجام عملیات تروریستی موجبات بی‌ثباتی در منطقه را فراهم آورند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیک موثر در راستای توانایی و نفوذ داعش در منطقه خاورمیانه، حمایت‌های ژئوکالچرال موجود در منطقه، بروز خلأ مشروعیت در مناطق خاص، بهره‌گیری از فضای مجازی و رسانه‌ای، سازمان‌دهی تشکیلات و فرماندهی داعش است، و از جمله مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیک موثر بر محدودسازی فعالیت‌های داعش، می‌توان به نقش‌آفرینی و جایگاه ژئوپلیتیک ایران و عربستان، نقش‌آفرینی و جایگاه سیاسی شیعیان عراق در روند همگرایی با ایران، موقعیت ژئوپلیتیک سوریه و نقش آن در محدودسازی داعش در پرتو همکاری با جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک نظام جهانی و نقش آن در محدودسازی داعش اشاره کرد. حال نکته اساسی که کشورهای منطقه نیز باید به آن توجه کنند این است که آن‌ها تنها با یک گروه تروریستی در حال مبارزه کردن نیستند، بلکه با یک ایدئولوژی مخرب رو به رو هستند. در نتیجه آن‌ها علاوه بر حوزه‌های نظامی باید در حوزه‌های فکری نیز این گروه‌ها را شکست دهند. در نتیجه کشورهای منطقه برای مقابله با گروه‌های تکفیری اقداماتی نظیر آماده‌باش اطلاعاتی و نظامی در مرزهای مشترک با عراق، همکاری نظامی با دولت عراق در دفع این گروه‌های تکفیری، افزایش همکاری‌های اطلاعاتی با ترکیه و عراق و سوریه در حوزه مناطق کردنشین، افزایش مراقبت‌های امنیتی و اطلاعاتی در مرزهای کشورشان و برنامه‌ریزی برای مواجهه با خلأ نظامی و امنیتی را انجام دهند و سبب شکست و عقب‌راندن این گروه‌های تکفیری از مرزهای خود شوند. هرچند برای تثبیت هرچه بیشتر امنیت، باید تلاش و اقدامات شایسته‌تری صورت پذیرد؛ چرا که پایان داعش پایان تروریسم تکفیری نیست و این طرز تفکر از میان نرفته، امکان رشد و گسترش آن هنوز وجود دارد و برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای وجود محیط تروریستی را به نفع خود می‌دانند.

قدردانی

بسی شایسته است از تلاش‌های مداوم و کوشش‌های مستمر اعضای فصلنامه پژوهش‌های نوین سیاست جغرافیایی که در راستای بسط و توسعه علم و دانش همواره پیش‌قدم بوده‌اند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم؛ چرا که اگر کارگشایی ثمربخش و راهنمایی‌های اعضای محترم فصلنامه نبود به‌راستی انجام این مهم امکان‌پذیر نبود. در اینجا لازم می‌دانم از اساتید بزرگوار به خاطر زمانی که برای ارائه نظریات ارزشمندشان در راستای تدوین این مقاله تشکر نمایم؛ زیرا این امر نشان دهنده این است که اساتید برجسته و فرزانه فصلنامه مسؤولیت پذیر بوده و این مهم بسیار قابل تقدیر است. در نهایت از شما عزیزان به دلیل اینکه استعدادها و مهارت‌های قابل توجه خود را برای تقویت تلاش‌های متقابل استفاده نمودید کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم و دعا می‌کنم که گل‌های وجود نازنینتان هرگز پژمرده نشود تا همیشه در اشاعه تعلیم و تربیت پیش قدم باشید.

تعارض منافع

اینجانب عاطفه صادقی نویسنده مسؤول مقاله اعلام می‌دارم که به طور کامل از سوء رفتارهایی به مانند سرقت ادبی پرهیز نموده و هیچگونه منافع تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسنده در قبال ارائه اثر خود وجهی را دریافت نموده است. همچنین به‌عنوان نویسنده مسؤول اعلام می‌دارم که این اثر همزمان به نشریه دیگری ارائه نگردیده است.

منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹)، چشم‌انداز روابط کشورهای عرب با عراق جدید، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳(۱)، ۱۵۰-۱۲۳
20.1001.1.17350727.1389.13.47.5.2
- اردم، نیلوفر، امام جمعه‌زاده، سیدجواد، گودرزی، مهناز (زمستان ۱۳۹۸)، حمایت از داعش و موازنه در برابر ایران (۲۰۱۸-۲۰۱۴)، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۹(۳۵) ۱۷۲-۱۴۵
<https://www.magiran.com/p2405774>
- بصیری، محمد علی (۱۳۹۶)، بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۷(۳) ۵۵۳-۵۷۰
SID. <https://sid.ir/paper/109983/fa>
- پارسایی، اسماعیل، حافظ نیا، محمدرضا، احمدی پورریال زهرا، سجادی‌پور، سید محمد کاظم (۱۳۹۸)، شناسایی عوامل ژئوپلیتیک موثر در سیاست خارجی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۷(۲)، ۴۴-۱
<https://doi.org/10.22067/geography.v16i1.55301>
- تاجیک، هادی، عالی‌شاهی، عبدالرضا، مجیدی‌نژاد، سیدعلی (۱۳۹۳)، گفتمان حاکم بر شکل‌گیری و فعالیت‌های داعش بر اساس نظریات اسپرینگز - تیلی، فصلنامه آفاق امنیت، ۷(۲۳)، ۲۸۵-۲۷۵
01234656778
- توکلی، سعید (۱۳۹۳)، القاعده و داعش، افتراقات و تشابهات، فصلنامه آفاق امنیت، ۷(۲۳)، ۱۹۵-۱۵۱
20.1001.1.25381857.1393.7.23.6
- حاجی یوسفی، امیر محمد، حسین زاده، علیرضا (۱۳۹۷) شکنندگی دولت و نابه سامانی جانعه در عراق - بستری برای بحران امنیتی ظهور و گسترش داعش، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۱(۳۸) ۶۷-۳۵
ISSN: 2537-1857 eISSN: 2645-5250
- حافظ نیا، محمدرضا، احمدی پور، زهرا، بویه چمر (۱۳۹۱)، تبیین عوامل موثر بر شکل‌گیری قلمروهای ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، ۱(۱)، ۴۹-۲۶
<https://doi.org/10.22067/jipr.v1391i1.27016>
- داوند، محمد، سام‌دلیری، کاظم (۱۴۰۱)، تهدیدات گروه تروریستی - تکفیری داعش در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران تا ۱۴۰۴ (مطالعه موردی: عراق)، فصلنامه علمی امنیت ملی، ۱۲(۴۵) ۲۰۷-۲۳۸
20.1001.1.33292538.1401.12.45.7.0
- درج، حمید، نورانی بنام، کاظم (۱۴۰۱)، تلاش راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای حذف داعش از معادلات عراق و سوریه، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۴(۱)، ۹۳-۶۷
10.22059/JHGR.2020.306175.1008142.67-93
- رجبی، سهیل (۱۳۹۱)، واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، فصلنامه پانزده خرداد، ۳(۳۴) ۸۵-۱۲۳
<https://www.noormags.com/view/fa/articlepage/995930>
- رحیمی‌مقدم، فائزه، عباس‌زاده‌فتح‌آبادی، مهدی (۱۴۰۲)، تحلیل تکنیک‌های رسانه‌ای قدرت محور داعش (مطالعه موردی: مجله‌های دابق و رومیه)، دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، ۱(۳۷) ۱۲۴-۱۰۵
10.30497/PKN.2023.242901.2960.105-124
- ساداتی‌نژاد، سیدمهدی (۱۳۹۵)، نقش ایالات متحده آمریکا در شکل‌گیری جریان‌های افراطی در جهان اسلام (مطالعه موردی القاعده و داعش)، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۱۲(۷) ۱۴۳-۱۲۳
<https://sid.ir/paper/267177/fa>
- سام‌دلیری، کاظم، داوند، محمد (۱۳۹۹)، الگوهای رفتاری گروه تکفیری - تروریستی داعش در حوزه دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران تا ۱۴۰۴، فصلنامه علمی امنیت ملی، ۱۰(۳۶) ۴۰۸-۳۷۷
20.1001.1.33292538.1399.10.36.12.3
- سیفی، عبدالمجید، پورحسین، ناصر (۱۳۹۷)، داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۱(۴۱) ۶۳-۳۷
<https://sanad.iau.ir/ar/Journal/prb/Article/1066419/FullText>
- شریعتی، شهرروز، وکیلی، بهنام، قربانی‌شیخ‌نشین، ارسلان (زمستان ۱۳۹۹)، نشانگان پیدایش موج پنجم تروریسم بین‌المللی در غرب آسیا، فصلنامه علمی امنیت ملی، ۱۰(۳۸) ۳۴-۷
20.1001.1.33292538.1399.10.38.1.6.7-34
- شمس دولت‌آبادی، محمود رضا، عسگری، مهدی (۱۳۹۸)، تاثیر ژئوپلیتیک سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با رژیم صهیونیستی، فصلنامه امنیت ملی، ۹(۳۳) ۵۲-۲۵
20.1001.1.33292538.1398.9.33.2.0.25-52

- شمولی، همت‌اله، بصیری، محمدعلی (۱۳۹۷)، تبیین آینده پژوهانه تاثیر رفتار گروه‌های تکفیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۸-۲۰۲۸م)، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۱(۳۹)، ۱۶۳-۱۳۵. 20.1001.1.25381857.1397.11.39.5.2
- صالحی، سید جواد، مرادی‌نیاز، صالح (۱۳۹۵)، بنیادگرایی اسلامی داعش و القاعده: تمایزهای ساختاری و ایدئولوژیکی، دو فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۴(۱)، ۸۵-۱۱۰. 20.1001.1.22520732.1395.4.8.4.5
- عباس زاده فتح آبادی، مهدی (۱۳۸۸)، بنیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاهی بر القاعده)، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۹(۴)، ۱۲۸-۱۰۹. <https://sid.ir/paper/110575/fa>
- عراقچی، سید عباس، جوزانی کهن، شاهین (۱۳۹۶)، بهره برداری داعش از فضای مجازی، فصلنامه روابط خارجی، ۹(۱)، ۱۷۵-۱۴۱. 20.1001.1.20085419.1396.9.1.5.6.141
- قاسمی، فائزه، شجاع، مرتضی (۱۳۹۶)، بررسی مقایسه‌ای در راهبرد رسانه‌های القاعده و داعش، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۸(۷۱)، <https://sid.ir/paper/502166/fa>
- کریمی‌پور، یدالله، حیدری، جهانگیر (۱۳۹۸)، تحلیل عناصر و رفتارهای ژئوپلیتیک موثر بر محدودسازی و سد نفوذ کنش‌های منطقه‌ای داعش، مجله تفسیر سیاسی، ۱(۲)، ۴۵-۲۱. <https://civilica.com/doc/1352034>
- گل کرمی، عابد (۱۴۰۳)، تبیین ژئوپلیتیک اقتصاد مواد مخدر بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، ۱(۱)، ۲۲-۷۵. [HTTP://DOI.ORG/10.22.34/NRPG.1.1.6](http://doi.org/10.22.34/NRPG.1.1.6)
- مبینی کشته، زهرا، طالع‌حور، رهبر (۱۴۰۰)، کودکان داعش و امنیت بین‌الملل، فصلنامه علمی امنیت ملی، ۱۱(۳۹)، ۴۶۶-۴۳۱. 20.1001.1.33292538.1400.11.39.15.9
- محبوبی، قربانعلی، شهوند، شهراد، عظیم زاده، جعفر (۱۳۹۳)، حضور نیروهای نظامی خارجی در افغانستان و گسترش افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان (۲۰۱۱-۲۰۰۱)، فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۲(۵)، ۳۰-۱. 10.22070/IWS.2014.237،
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۵)، ظهور داعش و آینده امنیت عراق، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۱(۴۰)، ۳۱-۱. 20.1001.1.17354331.1394.11.40.1.8
- میری، مجتبی، نوذری، میثم (۱۳۹۷)، نقش و جایگاه احزاب و گروه‌های شیعه در عراق با تاکید بر همگرایی با ایران، پژوهشگاه اندیشه معاصر، ۱(۱)، ۹۹-۱۱۶. <http://noo.rs/brCGA>
- نوربخش، یونس، مهدی‌زاده، منصوره (۱۳۹۴)، ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی اجتماعی گرایش به آن، ۲۲(۲)، ۲۶۲-۲۳۹. 10.22059/JSR.2016.57042.239
- نویدی نیا، فرزاد، گودرزی، مهناز (۱۳۹۹)، جایگاه منطقه‌ای ایران و عربستان و ایران در دوره پساداعش، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۰(۱)، ۲۶-۱۰. 20.1001.1.23222980.1399.10.1.1.2.1-26
- واثق، محمود، احمدی، سید عباس، حافظ‌نیا، محمدرضا، عیسی نژاد، سید محمد (۱۳۹۶)، تبیین معرفت‌شناختی از مفهوم و ماهیت ژئوپلیتیک، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۲(۲)، ۸۵-۶۵. <https://doi.org/10.22067/pg.v2i8.70362>
- والترز، رایش (۱۳۸۱)، ریشه‌های تروریسم، ترجمه حسین محمدی نجم، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ. 9789645935502
- Abu Khalil, As ad (2014), Isis and al-Qaeda: similarities and differences, at: <http://english.al-akhbar.com/node/21352>.
- Berisa, Hatida, joner, Katrina, Barisic, Lgor(2016), the influence of Islamic state on the global security, Journal of liberty and international Affairs /vol1/suppl1.
- Hashim, Ahmeds, Decamber(2014), policy Report farom al-qaida affiliate to the rise of the Islamic caliphate: the evolution of the Islamic state of Iraq and syria (ISIS), Military studies in stitute of Defence ---and strategic studies, (IDss). S.Rajaratnam school of inter national staudies (Rsls), Nanyang Thechnological university Singapore.

- Jamet,Chloe,spring(2021), under The supervision of professors Agnes Levallois and lus Batignessciencespo, The impact of lsIs on Muslim countries.
- Lister, charles(2017), AL-Qaeda versus lsIs competing kinadist Brands in the Middle East,Middle East institate counterterrpvism series.
- Liu,eric (2015),alqaedea electronic a sleeping dog ? areport by the critical thereats progect of the American enterpkise in stiute.
- Rasheed, Adil,September(2022), Terro ristGroups(ALQaede and ISI)And counter Terrorism,research and in formation division parliament library and reference resercn, documentation andin formation service(larrdis).
- Stanicek, Branislav,September(2021), Jihadist networks in sub- saharan Africa orgins, patterns and responses, with Mathilde Betant Rasmussen Members mussenservice, EPRS/European parliamentary Research Scwice.